

«سکولاریسم» به مثابه اصلی‌ترین «تهدید نرم» علیه جمهوری اسلامی در «گفتمان امنیت سیاسی» آیت‌الله خامنه‌ای

سید مجتبی حسینی^۱
حامد عامری گلستانی^{۲*}
بهرام یوسفی^۳
فریدون اکبرزاده^۴

چکیده

هدف: هدف از این مقاله شناخت و تحلیل یکی از اصلی‌ترین تهدیدات «نرم» علیه جمهوری اسلامی در گفتمان امنیت آیت‌الله خامنه‌ای است. امنیت، همواره یکی از اصلی‌ترین دال‌ها در گفتمان ایشان بوده است و ایشان از جنبه‌های مختلفی به آن توجه داشته‌اند.

روش‌شناسی پژوهش: روش این تحقیق تحلیل گفتمان لاکلا موف است.

یافته‌ها: آیت‌الله خامنه‌ای «سکولاریسم» را اصلی‌ترین تهدید نرم جمهوری اسلامی و «تقویت روحیه باورمندی مردم به اسلام»، «عدم انفعال در مقابل پدیده اسلام‌هراسی»، «آمیختن دانش و دین»، «پاسداری از انقلاب اسلامی» و «توکل به خدا» را وجوه مقابل آن‌ها می‌داند که دال‌های گفتمان امنیت سیاسی ایشان است. **نتیجه‌گیری:** در این پژوهش، محور اصلی مقوله «امنیت سیاسی» است که هم با تهدیدات «سخت» مواجه است و هم با تهدیدات «نرم» که در اینجا «سکولاریسم» به‌عنوان مهم‌ترین «تهدید نرم» امنیت سیاسی در نظر گرفته شده است. از آنجایی که گفتمان انقلاب اسلامی بر محور دال مرکزی «اسلام سیاسی» صورت‌بندی شده است، اصلی‌ترین «غیر» آن را باید «سکولاریسم» در نظر گرفت و این موضوع، به‌وضوح در گفتمان سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای «برجسته» شده است و توجه به بُعد امنیتی آن، برای شناخت دقیق‌تر از تهدیدات «نرم» جمهوری اسلامی اهمیت بسیار زیادی دارد.

کلیدواژه‌ها: آیت‌الله خامنه‌ای، امنیت سیاسی، سکولاریسم، گفتمان

Email: aseman62smh@gmail.com

۱- دانشجوی دکترای علوم سیاسی، واحد بین‌المللی خرمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خرمشهر، ایران

Email: hamed.ameri@gmail.com

۲- استادیار علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

Email: brmyousefi@gmail.com

۳- استادیار علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

Email: drferedounakbarzadeh@gmail.com

۴- استادیار علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱

مقدمه

امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندانش از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و همچنین تضمین حقوق سیاسی آنان در مشارکت برای تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی‌شان. نظام سیاسی برای ایجاد امکان و تسهیل مشارکت و دخالت مردم در تعیین سرنوشتشان، باید امنیت آن‌ها را فراهم کرده و حضور آزادانه و برابر آنها را میسر کند. در عین حال هیچ‌کس را به داشتن باور سیاسی خاصی وادار نکند؛ بر این اساس، انقلاب اسلامی که یکی از وجوه مهم آن اصلاح بنیادین مسائل و مفاهیمی چون «جمهوریت»، «استقلال» و «آزادی» بوده است، همواره به این موضوع توجه زیادی نشان داده است. نکته بسیار مهم اینجاست که در عین حال جمهوری اسلامی از این ناحیه نیز همواره مورد تهدید قرار دارد؛ بنابراین، زمانی که سخن از سیاست به میان می‌آید، «امنیت» آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد. با توجه به تأکیدات آیت‌الله خامنه‌ای بر مسائل امنیتی و دغدغه‌های ایشان، که در این پژوهش محوریت دارد، می‌توان گفت یکی از ابعاد مهم این امنیت «جنگ نرم» است که تهدیدات کشور را در حوزه سیاسی نشان می‌دهد.

در واقع امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاه سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای‌شان را هر چند مخالف حکومت باشد، در چهارچوب قوانین موجود بیان کنند و کسی حق تعرض به دیگران را به دلیل ابراز عقیده سیاسی نداشته باشد. به تعبیر دیگر، امنیت سیاسی برای همگان تنها در سایه برابری در مقابل قانون است، چه از نظر وضع قانونی و چه از لحاظ اجرای قانون (رهبر و سوری، ۲۰۱۶: ۹۰۹ و ۹۳۳).

تفکیک امنیت سیاسی از سایر وجوه امنیت امری پیچیده است؛ زیرا تفکیک امنیت سیاسی با امنیت به معنای خاص امنیت در عمل با مشکل روبه‌رو خواهد بود؛ از این‌رو گستره امنیت سیاسی از امنیت یک نظام سیاسی تا وجوهی از مسائل سیاسی در یک جامعه مستتر خواهد بود. در این میان و برای شناخت بهتر امنیت سیاسی، باید به مفهوم تهدید سیاسی نیز توجه کرد. تهدید سیاسی عموماً به‌عنوان زمینه‌ساز سایر تهدیدها محسوب می‌شود هرچند در برخی موارد، مکمل آنها نیز عمل می‌کند. به عبارتی می‌توان چنین تلقی کرد که اساساً تهدید سیاسی متوجه تمامی سازمان‌های دولتی است. هدف از تهدید ممکن است متفاوت باشد. از فشار بر حکومت در مورد سیاستی خاص گرفته تا واژگونی حکومت جدایی‌طلبی و برهم‌زدن بافت سیاسی دولت، برای تضعیف آن. همچنین می‌تواند تهدید ایده‌های کلان یک نظام سیاسی نظیر هویت ملی یا ایدئولوژی سازنده آن باشد. همه این موارد را می‌توان مصداق‌هایی مهم از اهداف تهدید سیاسی دانست و از آنجا که دولت اصولاً موجودیتی سیاسی است تهدید سیاسی می‌تواند به همان اندازه تهدید نظامی هراس‌انگیز باشد.

امنیت سیاسی دارای جوانب مختلفی است. در جمهوری اسلامی، دو جنبه مهم سیاسی نظام را در شناخت تهدیداتی که بر آن وارد می‌شود باید شناخت که به‌صورت «بنیادین» هستند: یکی «اسلامیت» و دیگری «جمهوریت» آن. در اینجا، سیاست به‌صورت یک کل به‌هم‌پیوسته فرض شده است که به دلایل

متعدد، از جمله ایجاد دگر هویتی برای دیگر نظام‌های سیاسی دنیا، مورد تهدید واقع شده است؛ لذا پرداختن به امنیت سیاسی و نحوه تأمین آن، به مثابه یک اصل بنیادین برای حفاظت از اصل بنیادین نظام است. این مقاله، ضمن واکاوی مسئله قدرت و جنگ نرم، با دیدگاه گفتمانی به دو موضوع «موانع» و «راهکارهای» تأمین امنیت سیاسی جمهوری اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد. مسئله اصلی در این مقاله، «امنیت سیاسی» جمهوری اسلامی ایران و در عین حال، چگونگی تأمین آن است. این مقوله، به صورت گفتمانی، از دیدگاه ایشان مورد بحث قرار گرفته و اصلی‌ترین دغدغه آن تأمین «امنیت سیاسی» است و در این «صورت‌بندی» گفتمانی، این پرسش مورد بحث قرار می‌گیرد: موانع و راهکارهای تأمین امنیت سیاسی جمهوری اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟

چارچوب نظری

امنیت سیاسی^۱

درباره امنیت می‌توان به دو گونه، آن چنان که در این پژوهش مدنظر است پرداخت. یکی «امنیت سخت» و دیگری «امنیت نرم». به این نکته مهم باید توجه داشت که تفکیک بین این دو گونه امنیت، در عمل و نظر چندان امکان‌پذیر نیست، چرا که تشخیص آن‌ها از یکدیگر بسیار مشکل است چرا که امنیت نرم به‌عنوان ماهیت وجود ندارد، بلکه تنها کاربرد وجه نرم امنیت سخت است. به عبارت دیگر، امنیت نرم نوعی پرورش‌دهنده امنیت سخت است نه دارای ماهیتی جداگانه از آن (غرایاق‌زند، ۲۰۰۹: ۸۵). در عین حال، امنیت سخت را باید در نگاه سنتی به آن مشاهده نمود. این گونه از امنیت، عمدتاً بر امنیت نظامی در سطح ملی متمرکز است، اما توجه امنیت غیرسنتی بیشتر به موضوع امنیت فردی و عبارت دیگر «امنیت انسانی» است. امنیت ملی و ثبات سیاسی به‌طور جدایی‌ناپذیری با هم پیوند خورده‌اند و «امنیت انسانی» هدف نهایی «امنیت ملی» است؛ بنابراین هیچ کشوری نباید با در خطر نگه‌داشتن سایر کشورها، امنیت خود را حفظ کند. امنیت سیاسی به‌عنوان بخش مهمی از امنیت غیرسنتی، نوعی امنیت پایدار از ویژگی‌های ارزشی و سیاسی بنیادی از دولتی است که انسان به آن تعلق دارد. امنیت سیاسی یک امنیت چندگانه است که شامل امنیت سیاسی فرهنگی، امنیت سیاسی سنتی، امنیت سیاسی ایدئولوژیک، امنیت آموزشی، مذهبی و غیره می‌شود (داپنگ، ۲۰۱۶: ۸۴۵).

در مطالعات جدید امنیت تعاریف متعددی از امنیت سیاسی ارائه شده که همه به نحوی به وابستگی و قرابت امنیت سیاسی به امنیت ملی دلالت دارند با این حال دو رویکرد متفاوت در تعریف امنیت در مطالعات جدید مشاهده می‌شود امنیت سیاسی فردمحور و امنیت سیاسی دولت‌محور (نباتیان، ۲۰۱۷: ۳۲). امنیت سیاسی فردمحور ناظر بر احقاق حقوق شهروندان در قبال دولت است. بدین معنا امنیت سیاسی به معنای زندگی آزادانه و بدون ترس و وحشت کردن است که بر اساس آن بتوانند مواضع سیاسی و

1. Political Security

2. Dapeng

باورهای‌شان را هر چند مخالف حکومت باشد، در چهارچوب قوانین موجود بیان کنند و کسی حق تعرض به دیگران را به دلیل ابراز عقیده سیاسی نداشته باشد. به بیان دیگر، امنیت سیاسی برای همگان تنها در سایه برابری در مقابل قانون است، چه از نظر وضع قانونی و چه از لحاظ اجرای قانون (رهبر و سوری، ۲۰۱۶: ۹۰۹ و ۹۳۳)؛ بر این اساس، قانون و امنیت و آزادی، در کنار هم معنا پیدا می‌کنند و مکمل هم هستند نه در تعارض با یکدیگر.

از دیگر سو، در امنیت سیاسی دولت‌محور، که می‌توان آن را همان امنیت ملی نیز دانست، دولت در مقام مرجعیت امنیت قرار می‌گیرد و هدف آن تداوم حاکمیت سیاسی است و دولت‌ها سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آن‌ها مشروعیت می‌دهد (بوزان، ۱۹۹۹: ۳۴). بنابراین، «امنیت سیاسی» ذیل مقوله «امنیتی ملی» قرار می‌گیرد و از مؤلفه‌های اصلی آن به‌شمار می‌رود. در اینجا باید در نظر داشت که تأکید بر عناصر تأمین امنیت سیاسی کشورها، با تعریف‌های نو ارائه شده از امنیت ملی تناسب دارد با این رویکرد می‌توان امنیت سیاسی را شرایطی دانست که طی آن تهدیدات نظامی و غیرنظامی که کیان نظام سیاسی را چه از تعهد سازمانی و چه از بُعد ایدئولوژی مشروعیت‌ساز آن هدف قرار می‌دهد مهار می‌گردند (نباتیان، ۲۰۱۷: ۳۳).

این را باید در نظر داشت که، امنیت سیاسی، در ارتباط مستقیم با مقوله امنیت ملی است؛ در عین حال، این دو مقوله دارای تفاوت‌ها و تمایزاتی نیز هستند که می‌توان آن‌ها را بدین نحو احصا نمود:
نخست این که، تمرکز «امنیت ملی» بر دولت‌هاست در صورتی که بخش عمده‌ای از امنیت سیاسی، بر افراد تأکید و تکیه دارد.

دوم این که، در امنیت ملی، حفظ امنیت شهروندان در مقابل تهدیدات بیرونی بیشتر است، در صورتی که امنیت سیاسی هم به چالش‌های خارجی توجه دارد هم بر تهدیدات داخلی برای افراد نظر دارد.
سوم این که، امنیت ملی، یک استراتژی برای تهدیدات ملموس است که از یک سو پیوسته است و از سوی دیگر مرتبط با زمانی معین است. در صورتی که بهبود وضعیت انسان‌ها در مشارکت سیاسی، در یک «افق درازمدت» استراتژی اصلی امنیت سیاسی است.

البته، باید در نظر داشت این دو مقوله را نباید به جای هم گذاشت، بلکه در این میان، تعامل این دو، دارای اهمیت است و بر این اساس، امنیت سیاسی را می‌توان یک مقوله و استراتژی «تعاملی حمایت‌محور» دانست (کینگ و موری^۱، ۲۰۰۱-۲۰۰۲: ۲۹۵). این گونه است که وجه «ایجابی» امنیت سیاسی را باید بر اساس نسبت میان آن و امنیت ملی جست‌وجو نمود.

از سوی دیگر، در وجه «سلبی» امنیت، می‌توان آن را «نبود تهدید» نیز دانست. این که امنیت سیاسی در وجه و گونه «نرم» آن، چگونه تأمین می‌شود، به همین فضای نبود تهدید نیز باز می‌گردد. بر این اساس، عناصری که در ایجاد مشروعیت در نظام سیاسی به‌صورت نرم مؤثر است، «برجسته‌سازی»

می‌شود. در عین حال، «این مفهوم، تنها «سلبی» و به موجب تهدیدات نیست، بلکه مفهومی «ایجابی» نیز هست و همین، سبب شده است که از دیگر حوزه‌های مطالعات امنیتی که مبتنی بر مفاهیم و مقولات «سلبی» هستند، تمایز یابد. بر این مبنا، امنیت سیاسی ظرفیت جامعه جهت محافظت از آن ویژگی‌هایی است که مخصوص به خود آن است، در برابر دگرگونی شرایط و تهدیدات مختلف مادی و معنوی» (فارست^۱، ۲۰۰۴: ۱-۳).

در عین حال، باید به این موضوع نیز توجه داشت که پیش از این، تنها دولت مرجع امنیت بود. نگاه رئالیستی به مسائل امنیتی نیز مؤید چنین دیدگاهی بود، اما اکنون، بسیاری از پژوهشگران به ارزش‌های سنتی‌ای چون زبان و سبک زندگی و عقاید مذهبی که به عموم افراد تعلق دارند، به عنوان «مراجع امنیتی» توجه دارند که در مجموع هویت گروه‌های مختلف جامعه را تشکیل می‌دهد (وور^۲ و همکاران، ۱۹۹۳: ۱۰). بنابراین، چنان‌که این مقاله به دنبال آن است، ارزش مهمی مانند «اسلام سیاسی»، در عین این‌که دال مرکزی گفتمان جمهوری اسلامی است، از سوی یک ارزش «غیر» یعنی «سکولاریسم» مورد تهدید قرار می‌گیرد و در نتیجه، ایجاد ناامنی سیاسی را بر اساس زیرسؤال بردن «مشروعیت» نظام سیاسی رقم می‌زند؛ بنابراین، آنچه در این مقاله، به عنوان محور بحث در امنیت سیاسی در نظر گرفته شده است، «بُعد نرم» آن است. بُعدی که اگر چه در تداوم بعد «سخت» امنیت قرار دارد، اما خود به تنهایی باید مورد توجه قرار گیرد و در عین حال، نسبت مستقیمی با مقولاتی چون مشروعیت نظام سیاسی دارد. این مشروعیت، برآمده از باورهای اساسی نظام سیاسی است که در آن، شقوق مختلف و ابعاد گوناگون آن مورد توجه قرار می‌گیرد. اهمیت امنیت نرم، به عنوان یک مفهوم اساسی در رویکرد این پژوهش، از آن جایی برمی‌آید که اساساً «امنیت نرم، را باید در جایگاه حفظ ارزش‌ها و هویت‌های اجتماعی دانست که بر گفتمان ایجابی امنیت مطابقت می‌کند» (جهان‌بین و امامی، ۲۰۱۴: ۵۲).

امنیت نرم دارای چهار بخش اساسی است: ۱. موضوعات مرجع امنیت نرم، ۲. قدرت نرم کشور، ۳. جنگ نرم دشمن و ۴. پدیده‌های نرم‌افزاری ناامنی (ماه‌پیشانیان، ۲۰۰۹: ۲۳۱). از دیگر سو امنیت نرم می‌تواند به مثابه مفهومی وابسته به قدرت نرم و یا مشتق از آن تلقی و فهمیده شود (پورااحمدی، ۲۰۰۸: ۱۶۱). بر این مبنا، قدرت نرم و امنیت نرم با یکدیگر رابطه دوطرفه داشته و هر دو، یکدیگر را تقویت کرده و در صورت ضعف، همدیگر را تضعیف می‌کنند. این سطح از وابستگی بین مفهوم امنیت نرم با مفاهیمی چون قدرت نرم و «تهدید نرم»، به منزله نوعی غفلت از مفهوم امنیت نرم و توسعه نیافتگی آن در مطالعات امنیتی است (جهان‌بین و امامی، ۲۰۱۴: ۵۴). بر این اساس، باید توجه داشت که «امنیت نرم، به عنوان مفهومی غیرنظامی بر تهدیدهای بالقوه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای یک دولت تمرکز دارد و می‌توان گفت ظاهراً امنیت نرم همه چیز (مگر محدوده دفاعی) را شامل می‌شود» (نظامی‌پور و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۱).

1. Forrest

2. Wæver

در این‌جا، موضوعی که بسیار حائز اهمیت، آن است که «قدرت نرم در تولید امنیت نرم نقش بسیار مهمی دارد. قدرت نرم، به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های کشور اطلاق می‌شود که با بکارگیری ابزارهای چون فرهنگ، آمال و یا ارزش‌های اخلاقی به‌صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد. علاوه بر آن قدرت نرم در بُعد داخلی به‌واسطه مشروعیت سیاسی دولت ایجاد و با افزایش اعتماد، وفاق و همبستگی ملی افزایش می‌یابد» (ماه‌پیشانیان، ۲۰۰۹: ۲۳۱).

اکنون باید به این موضوع توجه داشت که رویکرد این پژوهش، با بهره‌گیری از مبانی نظری گفته شده در بالا، چنین است که انقلاب اسلامی را «به‌مثابه انقلابی فرهنگی، نمونه مشخص طرح ایده به‌جای زور» می‌داند که «مبنای کاملاً اسلامی» داشته است. «بر این اساس می‌توان گفت که بررسی امنیت سیاسی در آن، ارتباط ویژه‌ای با مفهوم قدرت ایده‌ها و هنجارها دارد و اساساً تأکید بر وجوه قدرت نرم در آن اهمیت بسیاری دارد» (غریب‌زندی، ۲۰۰۹: ۸۲). از این‌رو، شناخت متفاوت از تهدیدات آن، بدون بهره‌گیری از مفاهیمی مانند قدرت و امنیت و تهدید نرم، امکان‌پذیر نیست.

گفتمان لاکلا و موف

این پژوهش، از میان دیدگاه‌های مختلفی که در تحلیل گفتمان وجود دارد، تحلیل گفتمان لاکلا و موف^۱، از مهم‌ترین و پرکاربردترین آن‌هاست. به‌خاطر آن‌که این مدل تحلیلی، قابلیت زیادی برای تحلیل رویکردها و پدیده‌های سیاسی را داراست. توجه به این‌که در شکل‌گیری گفتمان، عناصر و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که همه یا بخشی از آن، می‌تواند در «صورت‌بندی» گفتمانی یک پدیده یا یک وضعیت (در اینجا امنیت فرهنگی) کمک کند، این رهیافت را به‌صورت ویژه‌ای، به یک رویکرد مهم در عرصه «درک» تحولات گوناگون یک جامعه در آورده است. از دیدگاه لاکلا و موف «ادراک ما از واقعیت و شخصیت اشیاء واقعی به‌طور کامل به‌واسطه گفتمان ایجاد می‌شوند. ما به‌عنوان انسان وارد دنیایی می‌شویم که قبلاً از گفتمان‌ها تشکیل شده است و نمی‌توانیم اشیاء را خارج از آن را تصور کنیم. به‌همین دلیل، جهان گفتمانی و غیرگفتمانی را نمی‌توان از هم جدا کرد» (لاکلا و موف، ۱۹۸۵: ۶۶).

تحلیل گفتمان لاکلا و موف، از روش‌هایی است که دارای مؤلفه‌های زیادی است. البته، ممکن است در یک تحلیل، الزاماً همه آن‌ها ذکر یا حتی به‌کار گرفته نشوند. از این‌رو، در این مقاله، به‌خاطر آن‌که توجه به «نشانه‌ها» و «دال»‌ها و «مفصل‌بندی» گفتمان امنیت سیاسی است و این مؤلفه‌ها در یک گفتمان مشخص (مقام معظم رهبری) مورد بررسی و توجه قرار می‌گیرند.

عنصر، دال و مدلول

از دیدگاه لاکلا و موف «موقعیت‌های متفاوت، تا آنجا که به نظر می‌رسد در یک گفتمان بیان می‌شوند، لحظه‌ها نامیده می‌شوند. در مقابل، هر تفاوتی را که به‌صورت گفتمانی بیان نشده باشد، عنصر» نامیده

می‌شوند (لاکالا و موف، ۱۹۸۵: ۱۰۵)؛ همچنین، «عنصر نیز نشانه‌ای است که معنای آن هنوز با یک دال مرکزی ثابت نشده است. عناصر یا نشانه‌هایی که معنای آن‌ها توسط گفتمان ثابت شده بود، لحظه نامیده می‌شوند» (پراساد و هالفدام آسه، ۲۰۱۵: ۴۸). در ادامه لاکالا و موف معتقدند «هر گفتمانی به عنوان تلاشی برای تسلط بر حوزه گفتمانی، متوقف کردن جریان تفاوت‌ها، برای ساختن یک دال مرکزی شکل می‌گیرد. ما نقاط گفتمانی ممتاز این تثبیت جزئی را دال‌های مرکزی می‌نامیم» (لاکالا و موف، ۱۹۸۵: ۱۱۲). همچنین، «دال‌ها یا نقاط مرکزی هم دال‌های شناور به حساب می‌آیند با این تفاوت که نقطه یا دال مرکزی به حالتی اشاره دارد که معنای نشانه موقتاً به حالت «انسداد یا توقف» درآمده است. ولی دال شناور به حالتی اشاره دارد که نشانه در میدان مبارزه گفتمان‌های متفاوت، برای تثبیت معنا شناور و معلق است» (اخوان کاظمی، ۲۰۱۲: ۱۱). همچنین، دال، «اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاص دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود» (مقدمی، ۲۰۱۱: ۹۸).

مفصل‌بندی^۲

اصلی‌ترین مفهوم در گفتمان لاکالا و موف که «گفتمان‌سازی» می‌کند، «مفصل‌بندی» است. لاکالا و موف مفصل‌بندی را کرداری می‌دانند. به نظر آن‌ها «هر عملی را که رابطه‌ای بین عناصر برقرار می‌کند به گونه‌ای که هویت آن‌ها در نتیجه تمرین بیانی تغییر یابد، مفصل‌بندی» نامیده می‌شود و «کلیت ساختارمند حاصل از تمرین مفصلی» نیز «گفتمان» نامیده می‌شود (لاکالا و موف، ۱۹۸۵: ۱۰۵). در عین حال، «مفصل‌بندی‌های خاص از طریق تثبیت کردن معنا به شیوه خاص گفتمان‌های موجود را بازتولید کرده یا به چالش می‌کشند و از آنجا که همواره امکان چندمعنایی بودن وجود دارد، هر بیان شفاهی یا کتبی (و حتی هر کنش اجتماعی) نیز تا حدودی یک مفصل‌بندی یا نوآوری است، هر چند این بیان متکی بر معنا‌های از قبل تثبیت شده است، یعنی متکی به گفتمان‌هایی است که این نشانه‌ها در آن به بعد بدل شده‌اند» (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۱۰: ۶۱).

زنجیره هم‌ارزی^۳

در مفصل‌بندی دال‌های اصلی با یکدیگر در زنجیره هم‌ارزی ترکیب می‌شوند. «این دال‌ها نشانه‌های بی‌محتوایند، یعنی به خودی خود بی‌معنا هستند تا این که از طریق زنجیره هم‌ارزی با سایر نشانه‌هایی که آن‌ها را از معنا پر می‌کنند ترکیب می‌شوند و در مقابل هویت‌های منفی دیگری قرار می‌گیرند که به نظر می‌رسد تهدیدکننده آن‌ها باشند. گفتمان‌ها از طریق زنجیره هم‌ارزی تفاوت‌ها را می‌پوشانند. جامعه ذاتاً متکثر است. زنجیره هم‌ارزی این تکثر را پوشش می‌دهد و نظم و انسجام می‌بخشد. در هم‌ارزی، عناصر،

1. Prasad and Halfdan Aase
2. articulation
3. chain of equivalence

خصلت‌های متفاوت و معناهای رقیب را از دست می‌دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند، منحل می‌شوند» (حسینی‌زاده، ۲۰۱۳: ۱۹۱). مفصل‌بندی «بین موقعیت‌های موضوعی مختلف در یک زنجیره هم‌ارزی می‌تواند بسیار پیچیده باشد. در اینجا یک موقعیت، «دال مرکزی»، می‌تواند به‌عنوان موقعیت غالب ظاهر شود به این معنا که بیشترین تأثیر را در شکل‌دهی مجدد به معنای موقعیت‌های دیگر در زنجیره دارد» (اسمیت^۱، ۱۹۹۸: ۸۹).

تضاد^۲

تضاد هم از مؤلفه‌های مهم تحلیل گفتمان لاکلا و موف است به اعتقاد آن‌ها «از آنجایی که تضاد، کلید درک شکل‌گیری هویت‌ها از طریق این رابطه خود/دیگری است، و زبان و سایر اشکال «دال» همیشه در معرض تعدد معانی هستند، حوزه نمادین همیشه مستعد بی‌ثباتی است. شرایط امکان برای مبارزه هژمونیک با تضاد بین دو منطق رقیب «معادل» (گفتمان‌هایی که بر یکسانی هویت‌ها در نتیجه یک «منفی»، تهدید یا دشمن مشترک ادراک شده تأکید می‌کنند) و «تفاوت» (گفتمان‌هایی که در آن‌ها تأکید می‌شود) مشخص می‌شود. هویت‌ها از طریق تفاوت‌های غیرخصمانه و «مثبت» ساخته می‌شوند» (لاکلا و موف، ۱۹۸۵: ۱۲۷). بنابراین، تضاد از یک‌سو با ایجاد گفتمان سروکار دارد و از سوی دیگر با ایجاد هویت در گفتمان. در عین حال «تضادها را می‌توان از طریق مداخلات هژمونیک از بین برد. در یک مداخله هژمونیک، درک جایگزین از جهان سرکوب می‌شود که منجر به طبیعی شدن یک دیدگاه واحد می‌شود» (یورگنسن و فیلیپس^۳، ۲۰۰۲: ۳۷). همچنین «تضاد به‌عنوان نفی یک نظم معین، به‌سادگی، حد آن نظم است» (لاکلا و موف، ۱۹۸۵: ۱۲۶).

هژمونی^۴

بخش عمده‌ای از روش گفتمان لاکلا و موف بر مفهوم هژمونی و آنچه که در سیاست تشکیل می‌دهد متمرکز است. این نظریه از مفهوم هژمونی به‌عنوان چارچوب تحلیل خود و دال مرکزی استفاده کرده است که از آنجا می‌توانند امر سیاسی را دگرگون و تعدیل کنند. آن را به‌عنوان ابزار مفیدی در مبارزه برای دموکراسی رادیکال، آزادی‌خواهانه و متکثر استفاده کند (موف، ۲۰۰۸: ۴). بر اساس این مفهوم، این مهم است که «در ساحت سیاست و اجتماع چه کسی برتر است. به‌عبارت دیگر، کدام نیروی سیاسی درباره شکل‌های مسلط رفتاری در جامعه تصمیم خواهد گرفت» (عامری گلستانی و قادری، ۲۰۱۲: ۱۳۵-۱۳۶). موف، بر آن است که «شیوه‌های بیانی که از طریق آن‌ها نظم معینی ایجاد می‌شود و معنای نهادهای اجتماعی ثابت می‌شود، همان چیزی است که» آن‌ها را «عملکردهای هژمونیک» می‌نامند. از نظر او

1. smith
2. Antagonism
3. Jørgensen & Phillips
4. Hegemony

«آنچه در یک لحظه معین به‌عنوان «نظم طبیعی» پذیرفته می‌شود، همراه با عقل سلیم که آن را همراهی می‌کند، نتیجه شیوه‌های هژمونیک است» (موف، ۲۰۰۸: ۸). در این میان، هژمونی به‌عنوان «گسترش یک گفتمان یا مجموعه‌ای از گفتمان‌ها به یک افق غالب جهت‌گیری و کنش اجتماعی با استفاده از مفصل‌بندی عناصر ثابت نشده در لحظاتی جزئی ثابت در زمینه‌ای است که توسط نیروهای متضاد متلاشی شده است» (تورفینگ^۱، ۱۹۹۹: ۱۰۱). «هژمونی، تثبیت نشانه‌ها است، اما مداخله هژمونیک این تثبیت را در میان گفتمان‌هایی که به‌طور متضاد با هم برخورد می‌کنند، به‌دست می‌آورد. یک گفتمان از میدان گفتمانی تضعیف می‌شود که گفتمان دیگری با بیان مجدد نشانه‌هایش بر آن غلبه می‌کند. مداخله هژمونیک در صورتی موفق است که یک گفتمان به‌تنهایی تسلط پیدا کند و تضاد از بین برود» (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۴۸).

یافته‌های پژوهش

شناخت گفتمان امنیت سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای در پرتو دیدگاه‌های ایشان در زمینه «سکولاریسم» میسر است. بر اساس رویکرد این پژوهش، ایشان «غیر» اصلی جمهوری اسلامی را «سکولاریسم» دانسته و آن را «تهدید» جدی برای امنیت سیاسی جمهوری اسلامی می‌دانند. در گفتمان ایشان، «سکولاریسم» اصلی‌ترین عامل «ناامنی سیاسی» در جمهوری اسلامی است. شناخت مواضع و بیانات ایشان برای فهم این موضوع و تبیین آن اهمیت بسیار زیادی دارد. چرا که می‌توان گفت رویکردهای اصلی در جمهوری اسلامی به موضوع «جنگ نرم» و مقابله با «تهدید نرم» را باید در شناخت سکولاریسم در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای جست‌وجو نمود.

به‌دلیلی ماهیت «دینی» نظام جمهوری اسلامی، «سکولاریسم» از جمله خطراتی است که همواره گفتمان انقلاب اسلامی را مورد تهدید قرار داده است. این مقوله، بدون نفی اسلام سعی در از میان برداشتن حکومت اسلامی به‌صورت نرم دارد. در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای «سکولاریسم» نه «به معنای بی‌دینی»، بلکه این معنا را می‌دهد که «دین در غیر عمل شخصی، هیچ بروز و ظهوری نداشته باشد» و در عین حال «نظام اجتماعی کاری به دین» نداشته باشد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۵/۳۱). به اعتقاد ایشان تاریخچه «سکولاریسم» طولانی است و قرن‌های متمادی «در کلیه جوامع اسلامی» افراد قدرتمند و «زمامداران ناحق و غیرعادل عالم سعی کردند دین را - که هر جا هست، حکم به حق و عدل می‌کند و با کسی مماشات نمی‌کند - از دخالت در امور خودشان پس بزنند» به اعتقاد ایشان، چنین افرادی «قرن‌های متمادی سعی کردند اثبات کنند که دین از سیاست جداست... اما سیاست دینی به همان اندازه مقدس است که عبادت دینی» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۲/۱۳). به‌واقع می‌توان گفت که ایشان در

نگاهی نرم‌افزاری به سیاست، دال «سکولاریسم» را به‌مثابه یک «غیر» اساسی در جامعه مطرح کرده و «پیوند» مستقیمی میان آن و مسئله حکومت ایجاد می‌کند.

در گفتمان ایشان، «سکولاریسم» دقیقاً در برابر «اسلام سیاسی» قرار می‌گیرد و این برآمده از «نقشه دشمن» و خود آن «ناشی از عدم فهم اسلام است». این افراد کسانی هستند که «سیاست را از اسلام جدا می‌کنند، نفی می‌کنند، اسلام را نفهمیده‌اند، آیات قرآن را نفهمیده‌اند. آیات قرآن، چه آنچه مربوط به حج است، چه آنچه مربوط به جهاد است، چه آنچه مربوط به ارتباطات مردم در یک جامعه است، چه آنچه مربوط به حاکمیت حاکم اسلامی در جامعه است، این‌ها همه سیاست‌هایی است که متعلق به اسلام است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۴/۲۵). بنابراین «غیریت‌سازی» آیت‌الله خامنه‌ای در مسئله «سکولاریسم» دقیقاً مبتنی بر «صورت‌بندی» گفتمان اسلام سیاسی است که بر اساس آن انقلاب اسلامی شکل گرفته است. چرا که یکی از مباحث مهم پیش از انقلاب «جدایی دین از سیاست» بوده که در «قدم اول، جدایی دستگاه سیاست و نهضت از دین و روحانیت است. قدم دوم، مأیوس شدن مردم از تحولی که به‌وجود آمده است؛ مثل مشروطیت و نهضت ملی‌شدن صنعت نفت. قدم سوم، در غیاب مردم، پدیدآمدن یک دیکتاتوری ظالمانه و بی‌رحم و در مشت دشمن و استکبار و استعمار قرار گرفتن است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۸/۲).

از دیدگاه ایشان، ایجاد جمهوری اسلامی، یکی از مهم‌ترین پدیده‌ها برای «باطل» شدن رویکردهای «سکولار» پیش از آن بود. به این صورت که «معلوم شد» که «اسلام می‌تواند میدان سیاست را، میدان زندگی را، میدان اداره کشور را، میدان به‌صحنه آوردن مردم با همه توانشان و ظرفیتشان را به بهترین وجهی اداره کند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۴/۲۵). بنابراین، ایشان ضمن توجه به نقش مردم در جمهوری اسلامی، آن را به‌مثابه موضوعی می‌دانند که به‌واسطه آن نظام سیاسی از «سکولاریسم» دور می‌شود.

در عین حال، ایشان به سه گروه از افراد در مخالفت با اسلام سیاسی و دخالت دین در سیاست اشاره دارند. این سه گروه را می‌توان بیان‌کننده سه «غیر» گفتمان «اسلام سیاسی» دانست.

۱. «یک عده با اصل دین مخالفند؛ لذا نظامی که بر اساس سیاست دینی استوار شده است، برای اینها یک نظام غیرقابل قبول است. اصل دین را در دل قبول ندارند.

۲. «عده‌ای با سیاست دینی مخالفند؛ دین را به‌عنوان یک مسأله تخصصی و مربوط به کنج دل و کنج خلوت می‌دانند؛ دین را برای حکومت، برای سیاست، برای اداره امور مردم نمی‌دانند. این‌ها اصل دین را قبول دارند؛ اما این دین کدام دین است، من نمی‌دانم!»

۳. «یک عده دچار نفاق دینی هستند؛ یعنی نام دین را لازم دارند، عنوان دین را لازم دارند؛ اما حقیقت دین را بر نمی‌تابند! اینها هم آن جایی که دین با همه‌ی واقعیت خود، با حضور خود، با اقتدار خود در جامعه ظاهر می‌شود و نظام تشکیل می‌دهد و حکومت راه می‌اندازد، نمی‌توانند آسان کنار بیایند. دیدیم کسانی

به نام دین با قرآن و نهج‌البلاغه حرف می‌زدند؛ اما برای مقابله با مفاهیم حقیقی قرآن و نهج‌البلاغه! (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

نکته مهم در «گفتمان» آیت‌الله خامنه‌ای آن است که ایشان جمهوری اسلامی را هم دارای «جزء» مردمی می‌دانند هم اسلامی و با رد تفکر «سکولاریستی» و توجه به «عقاید» مردم، به این نکته توجه دارند که «باید به عقاید مردم، به حیثیت مردم، به هویت مردم، به شخصیت مردم، به کرامت مردم اهمیت گذاشته بشود. اسلامی است، یعنی... پشتوانه معنوی پیدا می‌کند». براین اساس است که از دیدگاه ایشان «حکومت‌های دموکراسی سکولار، بیگانه از دین، جدای از دین و در مواردی ضد دین، می‌روند کنار. اسلامی است، یعنی مردم در کار دنیایشان هم که کار می‌کنند، تلاش می‌کنند، در واقع دارند کار خدایی می‌کنند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۷/۱۵).

«غیر» های سکولاریسم در گفتمان امنیت سیاسی نرم آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای در صورت‌بندی گفتمان امنیت نرمشان در زمینه «امنیت سیاسی»، دال‌های آن را در قالب «راه‌کارها» بی‌ارائه داده‌اند که می‌توان آن‌ها را در مجموع، به مثابه «غیر» های «سکولاریسم» در نظر گرفت. با توجه به این که، امنیت مقوله‌ای است که با «تهدید» ارتباط وثیقی دارد، این «غیر» ها را باید بر اساس «تهدیدات» می‌بررسی کرد که از سوی ایشان به صورت «نرم»، مبانی دینی حکومت یا همان «اسلام سیاسی» را مورد هدف قرار داده است. این «غیر» ها، در عین حال، دال‌های گفتمان امنیت نرم سیاسی ایشان نیز هست.

پایندی به حکومت اسلامی و مبارزه با سکولاریسم

یکی از تهدیدات عمده‌ای که نظام و گفتمان انقلاب اسلامی ایران را تهدید می‌نماید دامن زدن‌های مکرر به انحای مختلف به موضوع «جدایی دین از سیاست» و «اسلام سیاسی» است. چرا که اسلام سیاسی در جهان معاصر به خطر بزرگی برای غرب و غرب‌گرایان تبدیل شده است و موجب گردیده که ایشان موضوع «جدایی دین از سیاست» را همواره برای مقابله با جمهوری اسلامی مطرح نمایند. لذا راه‌کارهای ذیل را می‌توان در این خصوص به‌عنوان بایسته‌های گفتمان امنیت نرم سیاسی از کلام مقام معظم رهبری استخراج نمود.

۱. تقویت روحیه باورمندی مردم به اسلام

در این زمینه به اعتقاد ایشان «تا مردم متدین و معتقد به دینی نباشند، حکومت دینی در آن کشور اصلاً به وجود نمی‌آید و جامعه دینی شکل نمی‌گیرد. بنابراین، وجود حکومت دینی در یک کشور، به معنای تدین مردم است؛ یعنی مردم این حکومت را خواستند، تا این حکومت بیاید». و وقتی سخن از «حکومت دینی، که جمهوری اسلامی هم براساس احکام و تعالیم الهی است و تکیه اصلی به مردم است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۱۲/۴).

۲. عدم انفعال در مقابل پدیده اسلام‌هراسی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای «سکولاریسم» بی‌شک «اسلام‌هراسی» است. این موضوع مورد توجه اکید آیت‌الله خامنه‌ای است. به اعتقاد ایشان «در برابر پدیده اسلام‌هراسی مطلقاً نباید منفعل شد». چرا که «اسلام‌هراسی در واقع ترجمه هراس و سراسیمگی قدرت‌ها در مقابل اسلام است و نشان می‌دهد که شما پیش رفتید؛ نشان می‌دهد که اسلام توانسته است حرکت خود را به‌طور موفق‌تر تا این‌جا پیش ببرد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱).

۳. آمیختن دانش و دین

یکی دیگر از پیامدهای «سکولاریسم»، نفی دخالت دین در امور علمی و غیرعلمی نشان‌دادن دین و معارف آن است. به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای یکی از مسائلی که موجب شده است تا «دشمنان» جمهوری اسلامی با آن به مبارزه برخیزند، همین بوده است که «نظام» به‌دنبال آمیزش دانش و دین است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند «دانش‌اندوزی را با اندیشه‌ورزی و این هر دو را با پرهیزگاری و پاکدامنی بیامیزید؛ در این صورت هیچ اندوخته‌ای برای کشور با ثروت وجود جوانانی چون شما برابری نخواهد کرد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱۱/۳).

۴. پاسداری از انقلاب اسلامی

یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های مقابله با «تهدید» سکولاریسم، از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، «پاسداری از انقلابی با درون‌مایه اسلامی» است. بر اساس چنین نظرگاهی این کار «نه فقط یک حرکت حماسی محض... [بلکه] با معنای اسلامی که این توانست در دنیا خوشبختانه» تأثیر بگذارد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۶/۲۵). بنابراین، در پیش‌گرفتن چنین رویه‌ای، به ارتقای جایگاه «انقلاب اسلامی» در جهان نیز کمک بسیار شایانی خواهد کرد.

۵. توکل به خدا

عنصر دیگر در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای «توکل به خدا» است. که می‌تواند به‌عنوان اصلی بنیادین در برابر «سکولاریسم»، به‌مقابله با «تهدیدات» امنیت سیاسی جمهوری اسلامی بیاید. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «به خداوند توکل کنید، وعده نصرت الهی را باور کنید؛ **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ**. در آیه دیگر، **وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ**... شما در راه اقامه دین، احیاء دین، ایجاد حاکمیت دین خدا هستید، این نصرت الهی است، پس مطمئن باشید که خدای متعال شما را نصرت خواهد کرد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۰۵/۱۲).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، در مجموع، این موضوع واکاوی شد که «سکولاریسم» به‌مثابه اصلی‌ترین «تهدید نرم» سیاسی «با هدف قرار دادن «مشروعیت» جمهوری اسلامی، به‌دنبال بی‌هویت کردن آن و نیز سست نمودن پایه‌های حکومت است. آیت‌الله خامنه‌ای، با درک درست از این مقوله، در صورت‌بندی خود از «گفتمان

امنیت سیاسی»، با تأکید بر تهدید «نرم» مبتنی بر «سکولاریسم»، آن را «غیر»ی اساسی برای «بنیاد» جمهوری اسلامی تعریف و «معنا» می‌بخشند. به اعتقاد ایشان، اساساً جدایی دین از سیاست، به عنوان اصلی‌ترین مضمون «سکولاریسم» راه را برای استحاله نظام و سلطه دشمن باز می‌کند و این موضوع، «تهدید»ی بسیار خطرناک برای امنیت سیاسی است که می‌تواند «موجودیتِ نظام» را زیر سؤال برده و خطر بالقوه برای آن محسوب گردد. بر این اساس است که با ارائه برخی از نشانه‌ها و دال‌ها، گفتمان خودشان را در این زمینه «صورت‌بندی» کرده و راه را برای خروج از بحران‌هایی که بر اثر گسترش گرایش‌های «سکولار» در کشور می‌بندند. این گفتمان، هم دارای وجوه «ایجابی» است و هم «سلبی» و وجه «سلبی» آن «نفی سکولاریسم» بوده و وجوه ایجابی آن «تقویت روحیه باورمندی مردم به اسلام»، «عدم انفعال در مقابل پدیده اسلام‌هراسی»، «آمیختن دانش و دین»، «پاسداری از انقلاب اسلامی» و «توکل به خدا» است. که این‌ها را می‌توان دال و نشانه‌های گفتمان امنیت سیاسی ایشان، بر مبنای تهدید «نرم» دانست.

References

- Akhavan Kazemi, Bahram (2012). “Critical Discourse Analysis and Evaluation of Laclau Aand Its Application in Policy”, Political Quarterly, Vol. 42, No 4, 1-20. (In Persian)
- Ameri Golastani Hamed & Nafise-sadat Ghaderi (2012). “A Discourse Approach to Islamophobia”, Quarterly Journal of Political Research in Islamic World, Vol 4, No. 2: 129-153. (In Persian)
- Barry Buzan (1999). *People, States and Fear*, Translation: Institute of Strategic Studies, Tehran: Institute of Strategic Studies. (In Persian)
- Dapeng, Y. et al (2016). “Non-traditional Security: a Study of Endogenous Cultural Security Based on the Buddha Event”, 3rd International Conference on Education, Management and Computing Technology (ICEMCT).
- Forrest, S. (2004). “Indigenous Identity as a Strategy for Cultural Security”, Presented at Northern Research Forum, Plenary on Security, Yellowknife, NWT, September 18.
- Gharayagh Zandi, Davood (2009). “Identification of Meaning and Concept of Soft Security; an overturn to IRI's Soft Security”, Strategic Studies Quarterly, Vol. 12, Vol 45, 81-108. (In Persian)
- Hosseinizadeh, Mohammad Ali (2013). “Discourse Theory and Political Analysis”, Political Science, No. 28: 181-212. (In Persian)
- <https://khamenei.ir/>
- Jahanbin, Farzad & Azam Emami (2014). “Social capital is the communication link of soft power, soft security, soft threat”, Soft power Studies, 4(10): 49-74. (In Persian)

- Jørgensen, Marianne & Lousie J. Phillips (2002). *Discourse Analysis as Theory and Method*. SAGE Publications.
- Jørgensen, Marianne & Lousie J. Phillips (2010). *Discourse Analysis as Theory and Method*, Translation: Hadi Halili, Tehran: Ney. (In Persian)
- King, G. & C. J.L. Murray (2001-2002). “Rethinking Human Security”, *Political Science Quarterly*, vol. 116, No. 4: 585–610.
- Laclau, Ernesto & Chantal Mouffe (1985). *Hegemony and socialist strategy: Towards a radical democratic politics*. London: Verso.
- Mahpishanian, Mahsa (2009). “Soft Security and the Janus Face of Media”, *Rasaneh*, Vol. 20, No. 2, 223-255. (In Persian)
- Moghaddami, Mohammadtaghi (2011). “Theory of Discourse Analysis by Lacla and Mouffe and its criticism”, *Ma'rifat-i Farhangi Ejtemaii*, Vol.2. No.2, spring 2011 91-124. (In Persian)
- Mouffe C. (2008). “Critique as Counter-Hegemonic Intervention”, *Transversal multilingual webjournal*. Vienna: European Institute for Progressive Cultural Policies. <http://eipcp.net/transversal/0808/mouffe/en/print>.
- Nabatian Mohammadesmaeil (2017). “Feqhi Principles of IRI's System; Shiite Feqh on Political Security of an Islamic System”, *Scientific Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, Vol.13, No 47: 31-48. (In Persian)
- Nezamipour, Ghadir et.al (2016). “The soft security of the Islamic Republic of Iran and the priorities of the political ethics system”, *Security Horizons*, Vol.7, No. 24: 5-24. (In Persian)
- Nye, J.S. (1990). “Soft Power”, *Foreign Policy*, No. 80, Twentieth Anniversary: 153-171.
- Nye, J.S. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. New York: Public Affairs.
- Nye, J.S. (2005). “On the Rise and fall of American Soft Power”, *New Perspectives Quarterly*, Vol. 22, No 3: 75-77.
- Nye, J.S. (2021). “Soft power: the evolution of a concept”, *Journal of Political Power*, Published online: 10 Feb, <https://doi.org/10.1080/2158379X.2021.1879572>.
- Nye, Joseph S. (2003). *Understanding International Conflicts*. New York: Longman.
- Nye, Joseph S. (2011). *The Future of Power*. New York: Public Affairs.
- Pourahmadi, Hossein (2008). Soft power and security in the global system; with an emphasis on the role and position of Basij, in: *Soft power, culture and security*, Tehran: Imam Sadiq University (peace be upon him). (In Persian)
- Prasad, D.P. & T.H. Aase (2015). “Discourse Analysis as a Means to Scrutinize REDD+: An Issue of Current Forest Management Debate of Nepal”, *Journal of Forest and Livelihood*, Vol. 13, No. 1: 44-55.
- Price, M. (2012). “Iran and the Soft War”, *International Journal of Communication*, 6: 2397–2415.
- Rahbar, Abasali & Souri, Farzad (2016). “State and Ideal Political Security Model in Religious Society”, *State Studies*, Vol. 2, No. 5: 101-133. (In Persian)
- Sabet, Farzan & Roozbeh Safshekan (2013). *Soft War: A New Episode in the Old Conflicts between Iran and the United States*, Soft War: A New Episode in the Old Conflicts between. Pennsylvania: University of Pennsylvania.

-
- Smith, A.M. (1998). *Laclau and Mouffe The radical democratic imaginary*. London & New York: Routledge.
 - Torfing, Jacob (1999). *New theories of Discourse: Laclau, Mouffe and Žižek*. Oxford: Blackwell.
 - Wæver, Ole et.al. (1993). *Identity, Migration & the New Security Agenda in Europe*. Denmark: St. Martin's Press.